«شهر مناجات» شنیدنی شد

آلبوم موسیقی «شهر مناجات» با مناجات‌خوانی ده خواننده موسیقی سنتی از سه نسل مختلف به مناسبت ماه مبارک رمضان تولید و روانه بازار شده و شنیدن آن در روزهای ماه رمضان می‌تواند اتفاق دلچسبی باشد. در این آلبوم که با همت مرکز موسیقی حوزه هنری و دفتر موسیقی و سرود صدا و سیما منتشر شده است، محمدتقی سعیدی، حسام‌الدین سراج، جمال‌الدین منبری، فاضل جمشیدی، حسین علیشاپور، رسول رهو، بامداد فلاحتی، حمید خزائی، سید محسن حسینی و هادی فیض‌آبادی، آوازهای دلنشینی در فضای نیایش ارائه کرده‌اند. این مناجات‌خوانی‌ها با شعر شاعرانی چون بیدل دهلوی، مولانا، حافظ، عطار، نظامی در دستگاه‌ها و آوازهایی از جمله شور، اصفهان، همایون، ماهور، دشتی، شوشتری و افشاری اجرا شده است. ضبط هشت قطعه از این آلبوم در استودیو پژواک حوزه هنری انجام شده و دو قطعه در شهرهای اصفهان و یزد ضبط شده‌اند. میلاد عرفان‌پور، مدیریت تولید و سروش بخشش، نظارت ضبط این آلبوم را به‌عهده داشته‌اند.

حاشیه‌های واکنش محسن چاوشی در برابر توهین همسر یک خواننده لس‌آنجلسی به حضرت امیر(ع) ادامه دارد

فریاد علیه عربده

گروه هنر

به سرعت بدل شد به یکی از اتفاقات مهم فضای مجازی که همه به آن توجه نشان دادند. می‌دانید از چه ماجرایی حرف می‌زنیم دیگر... از کنایه تند و تیز مهشید، همسر ابراهیم حامدی خواننده لس‌آنجلسی به محسن چاوشی حرف می‌زنیم، اتفاقی که حاشیه‌های بسیاری را طی یکی دو روز گذشته ایجاد کرده و کاربران فضای مجازی از این طرف و آن طرف، یعنی دو طرف ماجرا در حال اظهارنظر و صحبت درباره‌اش هستند. صحبت که نه البته... هر دو طرف بر هم می‌تازند و سعی می‌کنند از خواننده یا تفکر مورد علاقه‌شان حمایت کنند. هر چند احتمالا همه بدانید ماجرا از چه قرار است و چه توفانی در اینستاگرام راه افتاده، اما بهتر است کمی از شروع ماجرا برای‌تان بگوییم و برویم سراغ حواشی و ماجراهایی که در ادامه‌اش شکل گرفته و ما را رسانده به اینجا که درباره‌اش مفصل برایتان بنویسیم.

ماجرا چگونه شکل گرفت؟

محسن چاوشی کاری به کسی نداشت، طبق معمول مشغول کار خودش بود، هرچند این روزها هم شعر می‌نویسد و کلی انتقاد نسبت به سروده‌هایش می‌شنود، اما مثل همیشه مشغول کار خودش بود و گوشش بدهکار این نبود که دیگران چه می‌گویند. اما ناگهان یک نفر همانطور که مشغول گوشه و کنایه زدن به اتفاقات ایران بود، دلش خواست به محسن چاوشی هم به‌قول معروف گیر بدهد!

مهشید برومند معروف به مهشید حامدی، همسر یک خواننده لس‌آنجلسی در اینستاگرام خود پستی را با هدف همدردی با حادثه ناوچه دریایی منتشر کرد. او طی سال‌های گذشته اظهارنظر و کنش سیاسی نداشته و ظاهرا حالا تغییر مشی داده است، کلی آسمان و ریسمان به هم بافت و آخرش هم با چنین جمع‌بندی‌ای حرفش را تمام کرد: «آیا هنرمند نتیجه حکومت است؟ یا چنین جامعه‌ای به هنرمند آگاه نیازمند است؟ آیا هنرمند حق دارد در جامعه‌ای که روی بشکه عقب‌ماندگی که از باروت مذهب پر شده، کبریت حریق افروز باشد؟» دیدن این بیت بر صفحه یک آرتیست نفس را در سینه حبس می‌کند: «با یدا... و با ـ تیغ علی ذوالفقار ـ سینه گردنکشان ـ اذن دهد می‌درم.» از مجموعه کلمات این بیت بوی تعفن عقب‌ماندگی و وحشیگری می‌بارد.» اشارات خانم مهشید بی‌برو برگرد می‌رسید به یکی از قطعات تازه‌ای که چاوشی منتشر کرده است، قطعه‌ای به نام «او» که برای امام زمان (عج) سروده شده و در نیمه شعبان منتشر شده بود. این خواننده قطعه مورد نظر را به‌واسطه آنکه در یکی از بندهایش به حضرت امیر(ع) اشاره کرده بود دوباره در شب‌قدر منتشر کرد و همین هم سبب شد تا خانم حامدی بخواهد او را با این جملات و عبارات تند محکوم کند. طبعا طرفداران چاوشی هم بیکار ننشستند و هجوم بردند به صفحه مورد نظر تا از خواننده مورد علاقه‌شان دفاع کنند. ضمن اینکه این بار فقط بحث خواننده مطرح نبود و بحث جدی‌تری در میان بود؛ خانم حامدی که ظاهرا آنقدر ایران نبوده که یادش رفته مقدسات برای مردم ایران چه جایگاهی دارد، مورد انتقاد و اعتراض کسانی قرار گرفت که دین و مذهب خط قرمزشان است و نسبت به چنین اتفاقاتی واکنش نشان می‌دهند. ضمن اینکه اگر پای ثابت فضای مجازی باشید این را هم می‌دانید که در کشورمان خیلی از افراد غیرمذهبی هم به این شعور و آگاهی رسیده‌اند که حواس‌شان باشد احترام گذاشتن به عقاید دیگران یعنی چه.

چاوشی چه کرد؟

کار اما به همین جا ختم نشد. چاوشی که اصولا اهل جواب دادن به دیگران نبوده و همانطور که گفتیم سرش به کار خودش است، این بار دو واکنش نشان داد؛ ابتدا در صفحه رسمی تلگرامش این‌گونه نوشت: «از حقِ علی نمی‌گذرم... محسن» و سپس تصویری از پست مهشید حامدی را در اینستاگرامش منتشر کرد و این متن که در پاسخ به پست او نوشته بود را به اشتراک گذاشت: «تعفن! / رایحه تخمیر است / که قهقهه‌زنان می‌پیچد / به‌مشام و جیب‌هایِ بی‌گناه / و البته بیچاره گوش‌های عربده‌خواه / تعفن! / کج‌فهمی است و روخوانی / و هیجان لحظه‌ای دیده شدن / و البته شنیده شدن / غیرِ جغرافیای بد مستِ پُرعربده / و کفش‌های طلا یادمان باشد / آن دو جفت، دوازده اعدامی بود / زیر پای شما به عربستان. / اگر طلاست نعلین‌تان، / ما هنوز رخت‌مان عزاست / به سبزی و نان زنده‌ایم / البته بدون بی‌خندانِ رفسنجان. / عربده نکش شبه‌ماه! / کمی آرام بتیغان / ...که شمشیرِ ذوالفقارِ من / مست میدان است / و آماده به گردنکشان / جیب‌بُران / و عربده‌کشان... / و البته / یاد عربده‌کشی دیگر افتادم متعارف / همان که پشیمان است / «مثل سگ» / و افتخار می‌کند / به کاباره / و شهامتِ تهران ندارد! / یا علی...»

چاوشی در این متن به تمام تغییر رویکردهای ابی و برخی خواننده های لس آنجلسی اشاره کرده و ماجرای کنسرت های برخی از این خوانندگان را که ادعای وطن پرستی دارند اما در مقابل دلارهای سعودی راهی این کشور شده و برای صندلی های خالی اجرا می کنند را مورد انتقاد قرار داده است. خانم حامدی اما باز هم کوتاه نیامد و این همه کنایه بحق چاوشی در برابر توهینش به مقدسات مردم ایران را جوابیه ای «سراپا خشم و غرور و بددهانی» دانست. او در پاسخ به چاوشی نوشت: «...شما ریاکارانه چند زندانی آزاد کردید و تبلیغات‌تان گوش دنیا را کر کرد؟ چاقوکشان کوچک‌تان که به صفحه‌ام گسیل کردید از این بزرگواری می‌نویسند نیاز به یادآوری شاعرانه نبود. ابی سالیانه زندانیان بدهکار را از طریق دوستانش آزاد می‌کند و اطمینان دارم از بازگویی‌اش در اینجا ناراحت خواهد شد.» این هم یک ماجرای تازه است دیگر، اگر کسی در ایران زندانی آزاد کند ریا کرده و .... خلاصه که بگذریم از ماجرایی که هم ما می دانیم تکلیفش چیست و هم شما....

بالاخره چه شد؟

ظاهرا ابراهیم حامدی یک ویدئو منتشر کرده مبنی بر دلجویی از محسن چاوشی. البته ماکه روی صفحه این خواننده چیزی ندیدیم اما جالب است که رسانه های بیگانه از جمله بی بی سی تاکید کرده اند ویدئوی منتشر شده ربطی به دلجویی از چاوشی ندارد. در هر صورت اگر ماجرای دلجویی هم مطرح باشد با توجه به اتفاقات اخیر فعالیت های ابی از اجرا در فستیوال طنطوره عربستان سعودی گرفته تا داوری در شبکه ام بی سی فرق چندانی در اصل ماجرا ایجاد نمی کند و تنها پازل ذهنی ما را تکمیل می‌کند که چه شده خانواده حامدی تا این حد سیاسی شده اند! البته در پیامی که از سوی ابی منتشر شده او بخش‌هایی از امیر بی‌گزند را می‌خواند و خطاب به چاوشی می‌گوید تو و صدایت را دوست دارم. این را باید گذاشت پای سیاست آنها برای حل موضوعی که همه مردم ایران را رنجانده است.

مردم چه می‌گویند؟

طبعا هر دو خواننده طرفدارانی دارند اما جالب اینجاست که در میان نقطه نظرات منتشر شده در فضای مجازی پیرامون این موضوع می توان تا حدی برخوردهای واقع بینانه‌ای را دید که دلگرم کننده اند، ایرانیانی که خارج از کشور زندگی می کنند اما طبق کلیشه های مهاجران دهه ۵۰ ایران و جهان را نگاه نمی کنند، فکر نمی کنند ایران عقب مانده است و دنیا همه راه های خوبی و خوشبختی را طی کرده است، آدم های معمولی ای که هزینه زندگی شان را نه دلارهای سعودی می دهد و نه پسر شاه سابق ایران. آدم هایی که به قول معروف نان بازوی خود را می خورند و جهان را منطقی نگاه می کنند.

نگاهی به بگومگوهای محسن چاوشی و همسر یك خواننده لس‌آنجلسی

چه کسی خط عوض کرده است؟

سیدمیلاد ناظمی

روزنامه‌نگار

آنان که بی‌پروا جان را فدا کردند
در شوره‌زار عجز جنگل به پا کردند
در بستر تاریخ از خون این یاران
حماسه می‌جوشد از چشمه عصیان
آن لحظه که دژخیم فرمان آتش داد
سیلاب آزادی با خون به راه افتاد
در لحظه اعدام معراج این یاران
فریادشان این بود پاینده باد ایران...

سعی کنید این ترانه را با صدای ابراهیم حامدی بازخوانی کنید. البته جسارتا فریاد نزنید؛ چراکه او این قطعه را با گام پایین در سال ۵۷ برای پیروزی انقلاب اسلامی خوانده است. آن هم در شرایطی که دو سال قبل از سقوط پهلوی از ایران رفته بود و مهاجرتش ربطی به حکومت جدید نداشت. این تنها اثر سیاسی ابی در آن سال‌ها نبوده و اگر نگاهی به کارنامه فعالیت‌هایش بیندازید آثار دیگری هم می‌بینید.

حامدی پیش از این هم چند ترانه سیاسی خوانده بود و از طرف ساواك با ممنوعیت‌هایی مواجه شد، اما این ترانه و «مولای سبزپوش» دو اثر این خواننده لس‌آنجلسی هستند که با هدف ستایش انقلاب و نزدیك شدن به حکومت جدید خواند. البته با توجه به سوابق خاصش در کاباره‌های تهران و... هیچ‌وقت نتوانست با معیارهای نظام اسلامی مستقر شده همراه شود. با این حال او در سال‌های بعد بیکار ننشست و وقتی شرایط را دید سعی کرد به قطب مخالف قدرت ایران نزدیك شود.

پس خودش را به ولیعهد پهلوی نزدیك کرد و حتی بر ضد سوابق قبلی‌اش اظهارنظر کرد: «نالازم‌ترین و غیرضروری‌ترین چیز که می‌توانست برای آن مملکت اتفاق بیفتد، انقلاب اسلامی بود.» او در ادامه نزدیکی‌اش با سلطنت‌طلب‌ها مدام از خون پاك آریایی گفت و سعی کرد با این رفتارها به آنها نزدیك‌تر شود، اما همه اینها تا قبل از ظهور قدرت جدید بود. وقتی محمد بن‌سلمان در عربستان به قدرت رسید و پول‌ها را به سمت سلبریتی‌های خارج‌نشین ایرانی سرازیر کرد او همه حرف‌های وطن‌پرستانه‌اش را فراموش کرد و نه‌تنها به عنوان داور برنامه استعدادیابی در شبکه عربستانی mbc مشغول به کار شد، بلکه به عربستان رفت و برای مردم عرب‌زبان، کنسرت فارسی اجرا کرد.

شاید خود این خواننده که به آقای صدا هم معروف است این تضادها را درك نکند، اما آنهایی که دنبال‌کننده او هستند می‌دانند که حامدی به همان اندازه‌ای که کیفیت بالای صدایش ثابت بوده، هیچ سیر و تفکر ثابت سیاسی نداشته و همواره به عنوان عضو نمادین حزب باد تغییر جهت داده. از خواندن قطعات سیاسی ضدپهلوی و طرفداری از جمهوری اسلامی تا ستایش ولیعهد و شرکت در رویداد فرهنگی عربستان صرفا بخشی از تغییر جهت‌های این خواننده است.

در واقع حامدی همواره سعی کرده به قدرت نزدیك شود و اگر قدرتی به او کم‌محلی کرده یا جایگزین قدرتمندتری داشته به اردوگاه طرف مقابل پیوسته است. اگر جایی هم انتقاد تندی داشته حکایت همانی بوده که دستش به گوشت نرسیده. حالا مساله اینجاست که خانم مهشید که همه او را به عنوان زن ابراهیم حامدی می‌شناسند و در واقع کسی از خودش چیزی نمی‌داند، به محسن چاوشی حمله کرده و او را خواننده حکومتی خوانده است.

سؤال اینجاست که بر اساس این کارنامه کاری، کسی از نزدیکان ابی می‌تواند فردی مثل چاوشی را به طرفداری از قدرت محکوم کند؟ آن هم محسن چاوشی که هر وقت قرار بوده انتقاد کند، این‌کار را با صدای بلند انجام داده است.

از کمك‌های مادی و آزادی بی‌سر و صدای زندانیان گرفته تا بعضی ترانه‌هایش که انتقادات صریحی را به وضع موجود ابراز می‌کنند، نشانه‌های منش سیاسی چاوشی هستند؛ منشی که مردم یکی از مهم‌ترین ارکان آن است. شباهت ابراهیم حامدی و محسن چاوشی در هنر است، اما تفاوت‌شان که حالا موجب دعوا شده مساله‌ای جز ثبات نیست.

به همان اندازه که ابی هر روز طرفدار یك گروه قدرتمند است، چاوشی هرگز خط عوض نکرده و اگر تغییر رویکردی هم داشته بسیار جزئی بوده و از اصولش نگذشته. مثل همین طرفداری از امیرالمومنین(ع) که این روزها به خاطرش هزینه می‌دهد و سیبل حملات برخی خارج‌نشین‌ها شده اما سر بر سر اعتقادات خود راسخ ایستاده است، کاری که البته در تمام سال‌های گذشته بدون تغییر خط‌مشی‌های مداوم انجام داده است.

وقتی مدعیان آزادی بیان حرف خود را نقض می‌کنند

آزادی به سبك خانواده حامدی

زینب مرتضایی‌فرد

دبیر فرهنگ و هنر

در توییتر، اینستاگرام و خلاصه هر گوشه و کنار فضای مجازی که سرك بکشید حضور دارند. حضوری پررنگ و آمیخته به انواع ادعاهای آزادی‌اندیشی و جنگ برای آزادی و حرف‌ها و شعارهایی مشابه همین‌ها، اما همین که یکی از علایق مذهبی‌اش بگوید خود واقعی‌شان را نشان می‌دهند و می‌شوند سر تا پا فحش و فریاد. به دیگران بد و بیراه می‌گویند و به انواع تحجر محکومشان می‌کنند. آدم‌های مذهبی می‌شوند سر تا پا عقده و عقب‌ماندگی و آدم‌های بی‌دین می‌شوند آنها که قرار است همه چیزهای خوب را برای جهان به ارمغان بیاورند. ماجرای حرف‌های مهشید حامدی و مواجهه‌اش با محسن چاوشی دقیقا یادآور همین برخوردهاست. از نظر او یك هنرمند حق ندارد علایق مذهبی داشته باشد و اگر چنین شود ناگهان ایشان می‌شود فیلسوف، جامعه‌شناس و تحلیلگر مسائل فرهنگی و سیاسی، بعد به حساب خودش هنرمند مورد نظر را می‌اندازد گوشه رینگ و حسابی به او می‌تازد تا نشانش دهد چه عقب مانده‌ای است! جالب‌تر این‌که مهشید حامدی سراغ چهره دینی‌ای رفته که در سراسر جهان هم خیلی‌ها دوستش دارند و هر کسی درباره شیوه زندگی او و منش‌اش شنیده، نمی‌تواند نسبت به او بی‌تفاوت باشد و از کنار نامش ساده بگذرد. در جهان اندیشمندان زیادی درباره حضرت علی(ع) نوشته و عرض ارادت کرده‌اند، اما حالا یك خواننده ایرانی برای ارادتش به همان شخصیت باید بد و بیراه بشنود و مورد هجمه قرار بگیرد. ظاهرا حق با خانم حامدی است، مردم، هنرمندان و همه ساکنان یك کشور از حکومتشان یاد می‌گیرند چگونه با مقولات مختلف برخورد کنند که الناس علی دین ملوکهم! اما با این حساب ایشان هم باید جواب بدهند، چرا حکومت کشوری که در آن زندگی می‌کنند آنها را طوری بار آورده که عقاید مردمی را که در یك جغرافیا و سرزمین دیگر زندگی می‌کنند، نپذیرفته و در برابرش واکنش‌های تندی نشان دهند. آن هم در وضعیتی که پاسخ بی‌شمار انتقادهای مردم ایران را درباره اجرای کنسرت در عربستان سعودی را ندادند و از کنارش بدون هیچ حرف و سخنی گذشتند.

ظاهرا دوستان خارج‌نشینی که در فضای مجازی مدعی آزادی هستند، اگر فرصت دستشان برسد و بخواهند بحثی راه بیندازند، خود بیشتر از هر طیف و گروهی می‌توانند نافی آزادی افراد باشند، چرا که تلقی‌شان از آزادی این است؛ فقط ما درست می‌گوییم و فکر می‌کنیم.

FOLLOW

asadi.arisa

تعفن! کج فهمی است و روخوانی؟ محسن جان چاوشی عشق است.

araliyash

تا نگید خودمو خانمم شکر خوردیم قبول نیست! چون این خانم به تنهایی تیکه نینداخت.

zwiki2017

این خانم که به قولی روشنفکر تشریف دارند چرا بلد نیستند به عقاید آدم‌ها احترام بذارند وقتی نام حضرت علی شنیدی فقط باید سکوت کنی. شبنم توزلو با تمام معروفیتش و تیپ‌های باکلاس و زندگی لاکچری در وصف حضرت علی با حجاب ترانه اجرا کرده. لطف احترام یکدیگر داشته باشیم.

navid.bay

ابی خان چرا به همسرتون یاد ندادین که به عقاید بقیه احترام بذاره و تو چیزی که بهش مربوط نیست دخالت نکنه و همه چیو به هم ربط نده؟ در ضمن با پول عربستان زندانی آزاد کنید کار بزرگی نکردین و یه چیز دیگه این‌که شما و همسرتان بیرون گود نشستین و درکی از درد مردم ندارین و تنهاشون گذاشتین لطفا دم از مردم دوستی و وطن دوستی نزنید ممنون.

soheila.6435

چاوشی مورد علاقه مردمه مهشید خانم ساکت شو.

hadi_hosseini10

وقتی بلد نیستن به اعتقادات یه نفر دیگه احترام بذارن همچین جوابی حقشونه، مگه چاوشی با اعتقادات بقیه چیکار داره که میان گیر میدن به اعتقادات شخصیش؟ اینا بهتره به قِرشون اونور جلوی وهابیا و ملک سلمان برسن کوچیک‌تر ازین حرفان که بخوان امام علی و زیر سوال ببرن و اعتقادات یه هنرمندو نه یک جامعه رو زیر سوال ببرن... دست مریزاد محسن چاوشی.

mahdii._.me

حق و باطل کاملا مشخص است و روسیاهی بماند برای حسودان و تنگ نظران کوته فکر ... بیش از پیش به چاوشیست بودنم افتخار می‌کنم.

fafarzad_dehghani2285

ضمنا محسن چاوشی اصلا احتیاجی نیست که به هر اراجیفی واکنش نشون بده. تنها چیزی که مهمه این‌که محسن راهشو درست داره میره و این برای من هوادار و خیلی‌های دیگه ثابت شده است، محسن هوادارهایی داره که حاضرن جون بدن براش. کجا دیدیم چنین هوادارهایی؟ پس یه ته بندی بخوایم بکنیم به همین یه جمله پسنده میشه.کی شود دریا ز پوز سگ نجس...

masoud__safaee

من به عقلم رجوع می‌کنم می‌بینم محسن چاوشی زخم خورده جنگه و خرمشهر اکنار مردمش بوده و هم‌نفس با مردمش در تمام این سال‌ها زجر کشیده ! هم صدا با مردمش علیه ظلم دولت و حکومت فریاد زده! پس توهین به همچین هنرمندی از سوی کسی که فقط اسم سختی مردم رو از دور شنیده و پز همدردی با مردم رو میده و برای پول می‌ره برای عرب‌ها قر میاد حرف زیادیه پس کاش حرف زیادی نزنیم.

alireza.bakhtiyari

خاک اون کشوری ک توش کنسرت گذاشتید و پایکوبی کردید هنوز بوی خون شهدای مارو میده. فکر کنم سنگر رو اشتباهی اومدی اینجا ایرانه نه عربستان.

mostafa.danaee

کنسرت تو عربستان بو تفعن نمی‌داد؟